



Research Article

Spiritual Health Indicators in Imam Ali's Speeches

Fatemeh Khorashadizadeh¹ , Morteza Rastegar^{2,*} , Salar Poorbarat³ 

¹Assistant Professor, Department of Nursing, North Khorasan University of Medical Science, Bojnurd, Iran.

²Assistant Professor, Department of Theology, North Khorasan University of Medical Science, Bojnurd, Iran

³Student Research Committee, North Khorasan University of Medical Science, Bojnurd, Iran

***Corresponding author:** Morteza Rastegar, Assistant Professor, Department of Theology, North Khorasan University of Medical Science, Bojnurd, Iran. E-mail: rastgar@staff.nahad.ir.ac

DOI: [10.52547/nkums.14.1.70](https://doi.org/10.52547/nkums.14.1.70)

How to Cite this Article:

Khorashadizadeh F, Rastegar M, Poorbarat S. Spiritual Health Indicators in Imam Ali's Speeches. *J North Khorasan Univ Med Sci.* 2022;**14**(1):70-78. DOI: [10.52547/nkums.14.1.70](https://doi.org/10.52547/nkums.14.1.70)

Received: 30 May 2021

Accepted: 20 Feb 2022

Keywords:

Spiritual Health

Soul

Imam Ali (AS)

Medical Sciences Community

Body

© 2022 Journal of North Khorasan
University of Medical Sciences

Abstract

Introduction: Spiritual health is explained as the fourth dimension of health based on the cultural and religious contexts and religious thinkers of each society. Therefore, the purpose of this study is to explain the indicators of spiritual health from the perspective of Imam Ali.

Method: This descriptive-analytical study is a qualitative content-oriented analysis that collects some of the valuable sayings of Imam Ali from authentic texts and the indicators of spiritual health from the perspective of Imam Ali. It is included in the five axes of spiritual health in the study of Kharashadizadeh et al. (2015) and empirical references to spiritual health. In this study, first-hand and authentic texts have been used. This means that by searching in databases and based on the study of Kharashadizadeh et al. Using the keywords of Imam Ali, in the narrations, the words of Imam Ali have been retrieved and, while documented, it has been studied.

Results: Imam Ali, while paying attention to the interaction of body and soul with each other, had particular statements on the five axes of romantic creationism; Religious rationality, Mental balance, Conscientiousness, and heresy can be evaluated.

Conclusion: The research results in the above five axes showed that spiritual health, in the words of Imam Ali, has fundamental differences from spiritual health based on other cultures. Therefore, according to the Imam Ali community of medical sciences, to achieve patients' physical health, it is necessary to pay special attention to the interaction of body and soul and to pay special attention to empirical references to spiritual health to promote and evaluate spiritual health.



شاخص‌های سلامت معنوی از منظر امام علی (ع)

فاطمه خراشادی‌زاده^۱، مرتضی رستگار^{۲*}، سالار پوربرات^۳

^۱استادیار، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
^۲استادیار، گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران
^۳آکمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران

*نویسنده مسئول: مرتضی رستگار، استادیار، گروه معارف، دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی، بجنورد، ایران. ایمیل: rastgar@staff.nahad.ir.ac

DOI: 10.52547/nkums.14.1.70

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۸	چکیده
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱	مقدمه: مقدمه: سلامت معنوی به عنوان بعد چهارم سلامت براساس زمینه‌های فرهنگی و مذهبی و اندیشمندان دینی هر جامعه‌ای تبیین می‌شود. لذا هدف این مطالعه تبیین شاخص‌های سلامت معنوی از منظر امام علی ع می‌باشد.
واژگان کلیدی: سلامت معنوی روح امام علی (ع) جامعه علوم پزشکی جسم	روش کار: این مطالعه توصیفی تحلیلی و از نوع تحلیل محتوی کیفی جهت دار می‌باشد که به گردآوری بخشی از سخنان ارزشمند امام علی (علیه السلام) از متون معتبر پرداخته و شاخص‌های سلامت معنوی از منظر امام علی (ع) را شامل می‌شود که در پنج محور سلامت معنوی در مطالعه خراشادی زاده و همکاران (۱۳۹۴) و ارجاعات تجربی سلامت معنوی بیان شده است. در این مطالعه از متون دست اول و معتبر استفاده شده است. بدین معنی که با جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی و براساس مطالعه خراشادی زاده و همکاران با استفاده از کلیدواژه‌های امام علی (علیه السلام)، در روایات به بازیابی سخنان امام علی (علیه السلام) پرداخته و ضمن مستندسازی، مورد بررسی قرار گرفته است.
تمامی حقوق نشر برای دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی محفوظ است.	یافته‌ها: امام علی (ع) ضمن توجه به اثر متقابل جسم و روح بر یکدیگر، بیانات ویژه‌ای داشته که در ۵ محور خالق گرای عاشقانه؛ عقلانیت دینی؛ تعادل روانی؛ وظیفه گرایی و آخرت نگری قابل ارزیابی است.
	نتیجه گیری: نتایج حاصل از پژوهش انجام شده در محورهای پنج گانه فوق نشان داد که سلامت معنوی در کلام امام علی (ع) تفاوت‌های اساسی با سلامت معنوی بر اساس دیگر فرهنگ‌ها دارد. لذا جامعه علوم پزشکی براساس کلام امیرالمؤمنین (ع)، برای دست‌یابی به سلامت جسمی بیماران ضروری است به اثر متقابل جسم و روح توجه و به ارجاعات تجربی سلامت معنوی برای ارتقا و ارزیابی سلامت معنوی توجه ویژه داشته باشند.

مقدمه

مطالعات مختلفی بیان کرده‌اند که در جوامع امروزی افراد برداشت‌های مختلفی از معنویت دارند به بیان دیگر اهداف معینی را از معنویت دنبال می‌کنند (۴، ۵). هرچند مطالعات متعددی در زمینه تبیین مفهوم و ابعاد سلامت معنوی انجام شده است، اما هنوز اجماع کاملی بر روی آن وجود نیامده است (۶).

سلامت معنوی از دیدگاه اسلام، در واقع ارتباط بنده با خداست، ارتباط و اتصال معنوی انسان با خالق است (۷)، و فرهنگ ایرانی اسلامی از گذشته تا به امروز با مفهوم معنویت دارای پیوندهای جدانشدنی بوده به صورتی که رسیدن به مدارج بالای علوم انسانی و طبابت در گرو دانش فلسفه و کلام بوده است (۷) و سلامت معنوی نیز مفهومی در راستای خدمت رسانی به سلامت جسم انسان بوده و اهمیت و جذابیت آن نیز به دلیل عدم هزینه و کارایی آن می‌باشد (۸). سلامت معنوی، یک فرایند پویا با جهت‌گیری نزدیکی به خالق است که بیمار از طریق برقراری ارتباط عالمانه، عاقلانه و عاشقانه با خود، خالق و دیگران، معنای بیماری خود را خلق می‌کند. او بر روی این پیوستار وضعیتی تعالی

سلامت معنوی از مفاهیم بنیادی در ارتقاء سلامت و کیفیت زندگی بوده (۱) و در سال ۱۹۷۹ میلادی توسط سازمان جهانی بهداشت، به عنوان رکن چهارم سلامت مطرح گردیده و در معاهده کینهاک برای توسعه اجتماعی مورد توافق دولت‌های اروپایی قرار گرفته است (۲). سازمان جهانی بهداشت یکی از ابعاد کیفیت زندگی را سلامت معنوی مطرح می‌کند و دیدگاه مکانیستی به بیمار را بدون توجه به ارزشها و اعتقادات فرد نمی‌پذیرد، چرا که فرایند بهبودی را به خطر می‌نهد (۳).

سلامت انسان دارای ابعاد جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی می‌باشد. سلامت معنوی با دیگر ابعاد سلامتی ارتباط تنگاتنگی داشته و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد. این بُعد را می‌توان جزو مهم‌ترین ابعاد سلامتی به شمار آورد که با ویژگی‌هایی مانند ثبات در زندگی، صلح، تناسب و هماهنگی جسم و جان، احساس ارتباط نزدیک با خود، خدا، جامعه و محیط مشخص می‌شود. با وجود آنچه بیان شد تعاریف متعددی می‌توان برای سلامت معنوی بر اساس فرهنگ، ارزش‌ها و اعتقادات فرد بیان کرد.

دهنده، در هر نقطه درجات و کیفیت‌هایی از خالق‌گرایی عاشقانه، عقلانیت دینی، وظیفه‌گرایی و آخرت‌نگری را داراست که سبب ایجاد تعادل روانی در طی بیماری و اتصاف روح به صفات خالق هستی می‌گردد. ارجاعات تجربی سلامت معنوی در بیمار ۳۰ مورد می‌باشد که شامل: پرستش خالق، تقرب‌گرایی، تقدس اخلاقی، تسلیم در برابر حکمت الهی، انجام اعمال عبادی، توجه به صفات خدا، رضایت‌مندی، شکرگزاری، تقدیرگرایی، ولایت‌مداری، تبعیت از درمان، حرکت به سوی کمال، انجام مسئولیت‌های اجتماعی، بی‌آزاری، تأثر از درد دیگران، دعا برای سلامتی دیگران، آرامش با یاد خدا، نداشتن مشکلات روانی، ثبات شخصیت، خودشناسی و خودآگاهی عرفانی، کرامت نفس، هویت بیمار، هدفمندی و هوشمندی عالم، جستجوی حکمت، تعادل در امور دنیوی و اخروی، آگاهی از دشمنی شیطان، پرهیز از دنیای حرام، اولویت دادن به امور اخروی، پایداری و برتری زندگی پس از مرگ می‌باشد. لازمه محقق شدن سلامت معنوی (پیش‌آیندها)، خودآگاهی و خودشناسی است که در این خصوص سه طبقه: درک ماهیت مادی و معنوی انسان، درک کرامت روحانی و درک مختار بودن مطرح می‌باشد. در صورت کامل شدن سلامت معنوی در بیمار، خصوصیات مشخصی در او ظهور خواهد کرد که به عنوان پیامدهای سلامت معنوی شناخته شده و شامل ۴ طبقه: خلیفه‌گری، طهارت دائمی فراگیر، جاودانگی و معنی‌گرایی دائم می‌باشد (۹).

اسکندری و همکاران (۱۴۰۰) بیان نموده‌اند که مؤلفه‌های سلامت معنوی در سه مقوله هسته‌ای مبدأشناسی، راهنماشناسی و معادشناسی طبقه بندی شدند. در تبیین مؤلفه راهنماشناسی، شامل دو مقوله اصلی ادب تطبیقی با قرآن کریم (الگوی نظری) و ادب تطبیقی با انبیاء و چهارده معصوم (الگوی عملی) را مطرح نمودند (۱۰). حضرت علی (ع) به عنوان اولین امام شیعه جایگاه رفیعی در تبیین مبانی دارند. لذا این مطالعه کیفی با هدف تبیین شاخص‌های سلامت معنوی براساس مطالعه خراشادی‌زاده و همکاران (۱۳۹۳) از منظر امام علی (ع) به دنبال شناساندن و بیان ماهیت سلامت معنوی می‌باشد.

روش کار

این مطالعه توصیفی تحلیلی و از نوع تحلیل محتوی کیفی جهت دار می‌باشد. در تحلیل محتوای کیفی کدگذاری اولیه با یک تئوری یا یافته‌های مطالعات مرتبط قبلی آغاز می‌شود. سپس در طی تحلیل داده‌ها، محقق در داده‌ها غرق شده و اجازه می‌دهد تا تم‌ها از داده‌ها ایجاد شوند (۱۱). هدف این رویکرد معمولاً اعتباربخشی یا توسعه یک چارچوب یا تئوری است. مطالعه حاضر تحلیل مفهوم سلامت معنوی براساس آموزه‌های اسلامی از مطالعه خراشادی‌زاده و همکاران (۱۳۹۴) به عنوان ابزار اصلی دریافت، دسته بندی و خلاصه سازی محتوی سخنان امام علی (ع) انتخاب شده است. سخنان امام علی (ع) گردآوری شد.

در مطالعه حاضر سعی شده تعریف سلامت معنوی و ارجاعات تجربی آن براساس مطالعه خراشادی‌زاده و همکاران، در سخنان گهربار امام علی (علیه السلام)، مورد نقد و ارزش‌یابی قرار گیرد. برای دستیابی به این موضوع جستجو در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی همچون SID، Civilica، Magiran، پرتال جامع علوم انسانی، نورمگز، علم نت، ایرانداک انجام شد.

یافته‌ها

این مطالعه نشان داد که مستندات مربوط به پنج محور خالق‌گرایی عاشقانه (ایمان و حقیقت آن، خدا دوستی و توکل به خدا، تسلیم اوامر و نواهی خدا بودن همراه با خشنودی و رضایت به مقدرات الهی، تقدیرگرایی و داشتن روح تعبد و در نهایت غافل نبودن از جامعه و دیگران و دعا و اقدام نمودن برای آنان)، عقلانیت دینی (برخورداری از نعمتو سلامت عقل، داشتن بصیرت و روشن بینی، در جستجوی دانش و حکمت بودن و رعایت تعادل در امور دنیوی و اخروی)، تعادل روانی (داشتن آرامش روانی و صبر بر مشکلات و بلاها و مصائب)، وظیفه‌گرایی (انجام وظایف و تکالیف در قبال خداوند، خانواده و جامعه و بهبود روابط اجتماعی) و آخرت‌نگری (توجه به پایداری زندگی پس از مرگ، پرهیز از لذت‌های حرام و دوری کردن از محرّمات، انجام حسنات و اولویت دادن به امور اخروی) در کلام امام علی (ع) قابل ارزیابی است. در ادامه بخشی اندک از کلام ارزنده این امام همام در قالب محورهای پنج‌گانه ارائه می‌گردد.

محور ۱: خالق گرای عاشقانه

امام علی (ع) در خصوص این محور سخنان گهرباری دارند که در قالب عناوین مرتبط نظیر: ایمان و حقیقت آن، خدا دوستی و توکل به خدا، تسلیم اوامر و نواهی خدا بودن همراه با خشنودی و رضایت به مقدرات الهی، تقدیرگرایی و داشتن روح تعبد و در نهایت غافل نبودن از جامعه و دیگران و دعا و اقدام نمودن برای آنان، بیان می‌گردد (۱۳). مستندات کلام امام علی (ع) عبارتند از:

ایمان و حقیقت آن: طبق نقلی از امام علی علیه السلام پرسیدند که ایمان چیست؟ فَقَالَ الْإِيمَانُ مَعْرِفَةُ بِالْقَلْبِ وَ إِفْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَ عَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ؛ پس فرمود: ایمان عبارت است از: شناخت قلبی، اعتراف و اقرار به زبان، عمل با اعضاء بدن (۱۴). طبق این بیان شریف ایمان حقیقی نشانه‌هایی دارد که هر کس این نشانه‌ها را در خود داشته باشد مؤمن حقیقی است. در سخن دیگری امام (ع) ارکان ایمان را ذکر می‌کند: الْإِيمَانُ لَهُ أَرْكَانٌ أَرْبَعَةٌ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ، وَ تَفْوِضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ، وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ، وَ التَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ ایمان چهار رکن دارد: توکل بر خدا، واگذاری کار به خدا، راضی بودن به قضای خدا، و تسلیم دستورات خداوند عز و جل بودن (۱۵). امام در این بیان گهربار توکل به خدا، تسلیم اوامر و نواهی خدا بودن همراه با خشنودی و رضایت به مقدرات الهی، تقدیرگرایی و داشتن روح تعبد را از لوازم ایمان به خالق برمی‌شمارد.

خدا دوستی و توکل به او: امام علی (ع) خدا دوستی را نیکوترین و لذیذترین چیز در بهشت معرفی می‌نماید: أَطْيَبُ شَيْءٍ فِي الْجَنَّةِ وَ أَلَذُّ حُبِّ اللَّهِ وَ الْحُبُّ فِي اللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ نیک‌ترین و لذیذترین چیز در بهشت محبت و دوستی خداوند و دوستی در راه خدا و حمد و ستایش برای پروردگار جهانیان می‌باشد (۱۶). در بیان دیگری می‌فرماید: حُبُّ اللَّهِ نَارٌ لَا يَمُرُّ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا أَحْتَرَقَ وَ نُورٌ اللَّهِ لَا يَطْلُعُ عَلَى شَيْءٍ إِلَّا أَضَاءَ؛ دوستی و حب خدا آتشی است که بر هر چه بگذرد آن را می‌سوزاند و بر هیچ چیز نمی‌تابد مگر این که روشن و نورانی می‌نماید (۱۶). در سخن دیگری امام (ع) یکی از ارکان ایمان را توکل بر خداوند ذکر می‌کند: الْإِيمَانُ لَهُ أَرْكَانٌ أَرْبَعَةٌ: التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ؛ ایمان چهار رکن دارد که یکی توکل بر خداوند است (۱۵).

تسلیم اوامر و نواهی خدا بودن و پذیرش ولایت خدا و فرستادگانش (ولایت مداری): چهارمین رکن ایمان از نظر امام علی (ع) والتَّسْلِيمُ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ؛ و تسلیم دستورات خداوند عز و جل بودن است (۱۵). طبق روایتی امام علی (ع) بیست ویژگی برای محبین اهل بیت برمی‌شمارند که ده مورد مربوط به دنیا و ده مورد مخصوص آخرت است. ایشان در بیان ویژگی‌های دنیا می‌فرمایند: فَالزَّهْدُ فِي الدُّنْيَا، وَ الْحِرْصُ عَلَى الْعِلْمِ، وَ الْوَرَعُ فِي الدِّينِ، وَ الرَّغْبَةُ فِي الْعِبَادَةِ، وَ التَّوْبَةُ قَبْلَ الْمَمَاتِ، وَ النَّشَاطُ فِي قِيَامِ اللَّيْلِ، وَ الْيَأْسُ مِمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ، وَ الْحِفْظُ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ، وَ بَعْضُ الدُّنْيَا، وَ السَّخَاءُ؛ زهد در دنیا، حرص بر عمل، ورع در دین، رغبت در عبادت، توبه پیش از مرگ، نشاط در قیام لیل، ناامیدی از آنچه در دست مردم است، حفظ امر و نهی الهی، بغض نسبت به دنیا و سخاوت داشتن (۱۷). مَنْ أَحَبَّنَا فَلْيَعْمَلْ بِعَمَلِنَا؛ کسی که ما را دوست دارد پس شبیه ما عمل کند (۱۸).

رضایتمندی و تقدیرگرایی: اللَّهُمَّ مَنْ عَلَى التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَ التَّفْوِضِ إِلَيْكَ وَ الرِّضَا بِقَدْرِكَ وَ التَّسْلِيمِ لِأَمْرِكَ حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أُخِّرْتَ وَ

لَا تُأَخِّرَ مَا عَجَّلْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ؛ خدا یا به توکل بر خودت، و واگذاشتن به نگاهت، و خشنودی به تقدیرت، و تسلیم در برابر امرت بر من منت گذار، تا شتاب آنچه را تأخیر انداختی، و تأخیر آنچه را در آن شتاب کردی دوست نداشته باشم، ای پروردگار جهانیان (۱۵). وَ تَفْوِضُ الْأَمْرِ إِلَى اللَّهِ، وَ الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ؛ واگذاری کار به خدا، راضی بودن به قضای خدا دو رکن، از چهار رکن ایمان از نظر امام علی (ع) است (۱۵). در سخن دیگری فرمودند: فِي رِضَا اللَّهِ غَايَةُ الْمَطْلُوبِ؛ در رضایت خداوند نهایت مطلوبیت است (۱۷). تَحَرَّ رِضَا اللَّهِ بِرِضَاكَ بِقَدْرِهِ؛ آزاد کن (طلب کن) رضای خدا را با رضایت خود به تقدیر او برای خودت (۱۹). امام علی (ع) نسبت به ناراضی‌تی در مورد قضا و قدر هم هشدار می‌دهد: تَذَلُّ الْأُمُورُ لِلْمَقَادِيرِ حَتَّى يَكُونَ الْحَتْفُ فِي التَّدْبِيرِ؛ کارها و چاره‌جویی‌ها در برابر تقدیرات الهی خوار می‌گردد. تا آن حد که گاه چاره‌جویی انسان موجب هلاک او می‌گردد (۱۴). حضرت در نامه‌ی خود به فرزندش ضمن دعا برای او به ما می‌آموزاند که آرزوی بهترین تقدیر را داشته باشید: اسْتَوْدِعِ اللَّهَ دِينَكَ وَ دُنْيَاكَ وَ اسْأَلْهُ خَيْرَ الْقَضَاءِ لَكَ فِي الْعَاجِلَةِ وَ الْآجِلَةِ وَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ السَّلَامُ؛ دین و دنیای تو را به خدا می‌سپارم و از او می‌خواهم که در حال و آینده در دنیا و آخرت بهترین سرنوشت را برای تو در نظر بگیرد (۱۴).

دعا و اقدام برای دیگران: امام علی (ع) درباره‌ی دعا کردن شیوه‌ها و اهمیت آن روایات فراوانی دارد که خود و اصحابش را به دعا کردن به درگاه الهی فرا می‌خواند. جمع کردن همه سخنان حضرت و تحلیل آن‌ها در این باب مجال دیگری می‌طلبد. اجمالاً آن که ایشان دعا را سلاح اولیا؛ بهترین سلاح؛ سپرمومن و کلید پیروزی و رستگاری می‌دانند: الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْأَوْلِيَاءِ؛ (۱۷) نِعْمَ السِّلَاحُ الدُّعَاءُ (۱۵)، الدُّعَاءُ تَرْسُ الْمُؤْمِنِ (۱۵) الدُّعَاءُ مَفَاتِيحُ النَّجَاحِ وَ مَقَالِيدُ الْفَلَاحِ (۱۵) امام علی (ع) در شرایط مختلف دعا‌های مختلفی برای خود و جامعه و هم‌زمان و فرماندهان خود دارد به عنوان نمونه؛ در میان آتش و حرارت جنگ هم عرض می‌کند: خدایا! ما گرچه شهادت طلب کردیم، اما فتوت و مردانگی هم می‌خواهیم: إِنَّ أَظْهَرْتَنَا عَلَى عَدُوِّنَا فَجَنَّبْنَا الْبَغْيَ وَ سَدَّدْنَا لِلْحَقِّ. وَ إِنْ أَظْهَرْتَهُمْ عَلَيْنَا فَارْزُقْنَا الشَّهَادَةَ وَ اعْصِمْنَا مِنَ الْفِتْنَةِ؛ اگر ما را بر دشمن پیروز ساختی از ستم دور بدار و بر راه حق استوار گردان؛ و اگر دشمن را بر ما پیروز نمودی، شهادت را روزی ما گردان و ما را از فتنه‌ها حفظ فرما (۱۴). حضرت در دعای عمومی دیگری از خداوند این گونه درخواست می‌نماید که: نَسَأَلُ اللَّهَ مَنَازِلَ الشُّهَدَاءِ وَ مَعَايِشَةَ السُّعَدَاءِ وَ مُعَارَفَةَ الْأَنْبِيَاءِ؛ از خداوند مقام شهیدان و زندگی با سعادت‌مندان و هم‌نشینی با انبیا را خواهیم (۱۴). به خدا عرض می‌کند: اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فِي بَرْدِ الْعَيْشِ وَ قَرَارِ التَّعَمُّبِ وَ مَنَى الشَّهَوَاتِ وَ أَهْوَاءِ اللَّذَّاتِ وَ رَحَاءِ الدُّعَاةِ وَ مَنْتَهَى الطَّمَأْنِينَةِ وَ تَحْفِ الْكِرَامَةِ؛ خدایا، ما را در کنار او جای ده در زندگانی گوارا، و نعمت پدیدار، و آرزوهای دلنشین، و هوس‌های لذت بخش، و آسایش فراوان و آرامش بی‌منتها و تحفه‌های کرامت (۱۴). حضرت در پایان نامه خود به مالک اشتر این چنین برای خود و مالک دعا می‌کند: از خدا می‌خواهم: وَأَنْ يَخْتِمَ لِي وَ لَكَ بِالسَّعَادَةِ وَ الشَّهَادَةِ إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ الرَّاجِعُونَ؛ و پایان زندگی من و تو را سعادت و شهادت قرار دهد، همه ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم (۱۴).

سید ابن طاووس از ابن عباس روایت کرده: نزد امیر مؤمنان نشسته بودم، شخصی رنگ پریده آمد، و گفت: ای امیر مؤمنان، من همیشه بیمارم، و دردهای بسیاری دارم، به من دعایی بیاموز، که با آن بر

بس، که راه و بیراه را بر تو روشن سازد (۱۴). نعوذ بالله من سبات العقل، و قُبْح الرُّكُل. پناه می‌بریم به خدا، از خفتن عقل و زشتی لغزش (۱۴).
داشتن بصیرت و روشن بینی: حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:
 فَقَدْ الْبَصِيرُ أَهْوَنُ مِنْ فِدْقَانِ الْبَصِيرَةِ؛ از دست دادن بینایی آسان‌تر است تا از دست دادن بینش (۱۹). رَجِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَأَعْتَبَرَ وَ اعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ؛ خداوند رحمت کند کسی را که اندیشه کند پس عبرت گیرد و عبرت گیرد پس بصیر و بینا شود (۱۴). الْفَكْرُ مَرَأَةٌ صَافِيَةٌ وَ الْاعْتِبَارُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ وَ كَفَى أَدْبًا لِنَفْسِكَ تَجَنُّبُكَ مَا كَرِهْتَهُ لِعَيْرِكَ؛ اندیشه آینه‌ای است روشن و عبرت بیم دهنده‌ای خیرخواه. و برای ادب نفست همین بس که از آن چه برای دیگران دوست نداری بهره‌یزی (۱۴). إِنَّ ذَهَابَ الدَّاهِيَيْنِ لَعِبْرَةٌ لِلْقَوْمِ الْمُتَخَلِّفِينَ، به درستی که در رفتن کسانی که می‌روند (مرگ انسان‌ها) قطعاً عبرتی است برای کسانی که می‌مانند (۱۹). اَلْبَلُغُ الْعُظْمَاتِ الْاعْتِبَارُ بِمَصَارِعِ الْأُمُوتِ، رساترین پندها عبرت گرفتن از به خاک افتادن مردگان است (۱۹).

جستجوی دانش و حکمت: امام علی علیه‌السلام فرمود: الشَّخِصُ فِي طَلْبِ الْعِلْمِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ طَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ كَمَنْ مِنْ مُؤْمِنٍ يَخْرُجُ مِنْ مَنَزِلِهِ فِي طَلْبِ الْعِلْمِ فَلَا يَرْجِعُ إِلَّا مَعْفُورًا. امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرموده است: کسی که در طلب علم می‌رود، همچون کسی است که در راه خدا جهاد می‌کند. همانا طلب علم بر هر مسلمان واجب است و چه بسیار مؤمنی که در طلب علم از خانه خود بیرون می‌رود و باز نمی‌گردد، مگر اینکه گناهانش آمرزیده است (۲۱). حضرت در روایت دیگری می‌فرماید: أَيُّهَا النَّاسُ اعْلَمُوا أَنَّ كَمَالَ الدِّينِ طَلْبُ الْعِلْمِ وَ الْعَمَلُ بِهِ أَلَا وَ إِنْ طَلَبَ الْعِلْمَ أَوْجَبَ عَلَيْكُمْ مِنْ طَلْبِ الْمَالِ إِنْ الْمَالِ مَقْسُومٌ مَضْمُونٌ لَكُمْ قَدْ قَسَمَهُ عَادِلٌ بَيْنَكُمْ وَ قَدْ ضَمَنَهُ وَ سَيَفِي لَكُمْ وَ الْعِلْمُ مَحْزُونٌ عِنْدَ أَهْلِهِ أَوْ قَدْ أَمْرْتُمْ بِطَلْبِهِ مِنْ أَهْلِهِ [فَطَلِبُوهُ؛ ای مردم بدانید کمال دین طلب علم و عمل به آن است، بدانید که طلب علم بر شما از طلب مال لازم‌تر است زیرا مال برای شما قسمت و تضمین شده. عادل (که خداست) آن را بین شما قسمت کرده و تضمین نموده و به شما می‌رساند ولی علم نزد اهلش نگاه‌داشته شده و شما مأمورید که آن را از اهلش طلب کنید، پس آن را بخواهید (۱۵).

تعداد در امور دنیوی و اخروی: در رابطه با این محور فقط به ذکر خطبه ی ۲۰۹ نهج البلاغه اکتفا می‌کنیم. آن حضرت (ع) در بصره به عبادت علاء بن زیاد جارثی رفت و علاء از اصحابش بود. چون فراخی خانه‌اش را دید، چنین فرمود: مَا كُنْتُ تَصْنَعُ بِسَعَةِ هَذِهِ الدَّارِ فِي الدُّنْيَا - [أَمَا] وَ أَنْتَ إِلَيْهَا فِي الْآخِرَةِ كُنْتُ أَحْوَجُ؛ وَ بَلَى إِنْ شِئْتَ بَلَّغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ تَقْرَى فِيهَا الضَّيْفَ وَ تَصِلُ فِيهَا الرَّحِمَ وَ تَطَّلِعُ مِنْهَا الْحَقُوقَ مَطَالِعَهَا، فَإِذَا أَنْتَ قَدْ بَلَّغْتَ بِهَا الْآخِرَةَ. فَقَالَ لَهُ الْعَلَاءُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَشْكُو إِلَيْكَ أَحْيَ عَاصِمِ بْنِ زَيْدٍ. قَالَ وَ مَا لَهُ؟ قَالَ لَيْسَ الْعَبَاءَةُ [الْعَبَاءَةُ] وَ تَخَلَّى [أَمِنْ] عَنِ الدُّنْيَا. قَالَ عَلِيٌّ بِهِ. فَلَمَّا جَاءَ قَالَ يَا عَدِي نَفْسِهِ، لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكَ الْخَبِيثُ، أَمَا رَحِمْتَ أَهْلَكَ وَ وَلَدَكَ؟ أَتَرَى اللَّهَ أَحَلَّ لَكَ الطَّيِّبَاتِ وَ هُوَ يَكْرَهُ أَنْ تَأْخُذَهَا؟ أَنْتَ أَهْوَنُ عَلَى اللَّهِ مِنْ ذَلِكَ. قَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ هَذَا أَنْتَ فِي خُشُونَةٍ مَلْبَسِكِ وَ جَشُونَةٍ مَأْكَلِكِ. قَالَ وَيْحَكَ، إِنِّي لَسْتُ كَأَنْتَ، إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أُمَّةٍ [الْحَقِّ] الْعَدْلَ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلًا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرَهُ. سرایی به این فراخی در دنیا به چه کارت می‌آید و حال آن‌که، در آخرت نیازتو بدان بیشتر است. البته اگر بخواهی، با همین خانه به خانه آخرت هم خواهی رسید، هرگاه در آن

بیماری‌های یاری جویم، فرمود: به تو دعایی می‌آموزم، که جبرئیل وقتی حسن و حسین بیمار بودند به پیامبر صلی الله علیه و آله آموخت، و آن دعا این است: إلهي كُلَّمَا اتَّعَمْتُ عَلَى نِعْمَةٍ قُلْتُ لَكَ عِنْدَهَا شُكْرِي وَ كَلَّمَا ابْتَلَيْتَنِي بِبَلِيَّةٍ قُلْتُ لَكَ عِنْدَهَا صَبْرِي فَيَأْمَنُ قَلَّ شُكْرِي عِنْدَ نِعْمِهِ فَلَمْ يَخْرُمْني وَ يَا مَنْ قَلَّ صَبْرِي عِنْدَ بَلَاءِهِ فَلَمْ يَخْذُلْنِي وَ يَا مَنْ رَأَى عَلِيَّ الْمَعَاصِي فَلَمْ يَفْضَحْنِي وَ يَا مَنْ رَأَى عَلِيَّ الْخَطَايَا فَلَمْ يَعْقِبْنِي عَلَيْهَا صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ اشْفِنِي مِنْ مَرَضِي أَنْكَ عَلَيَّ كُلَّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛ ای معبود من، هر زمان به من نعمت دادی سپاسگذاری‌ام برای تو در کنار آن نعمت اندک بود، و هر زمان مبتلای به بلایم نمودی، صبرم برای تو نزد آن اندک بود، ای که شکرم کنار نعمت‌های کم بود، ولی از نعمت محرومم نکرد، و ای که صبرم نزد بلایش اندک بود، ولی مرا و نگذاشت، ای که مرا بر گناهان دید، ولی رسوایم نساخت! و ای که مرا بر خطاها دید، ولی بر آن‌ها عذابم نکرد، بر محمد و خاندان محمد درود فرست، و گناهم را بیامرز، و از بیماری‌ام شفا ده، به درستی که تو بر هر چیز توانایی. ابن عباس گفت: پس از یک سال آن مرد را دیدم، درحالی که رنگش نیکو و سرخ شده بود؟ و گفت: این دعا را بر هیچ دردی نخواندم مگر آن که شفا یافتم، و بر سلطانی که از او می‌ترسیدم وارد نشدم، مگر آن که خدای عز و جل شرش را از من بازگرداند (۲۰).

محور ۴: عقلانیت دینی

ارزنده‌ترین نعمتی که خداوند به انسان مرحمت فرمود، نعمت عقل است. نعمتی که اساس شخصیت و منشاء اصلی افتخارات آدمی شمرده می‌شود. به وسیله این گوهر گران‌بهاست که آدمی راه را از بیراهه و صلاح را از فساد تشخیص می‌دهد و در پرتو فروغ و روشنایی آن خود را از تاریکی‌ها و پرتگاه‌های زندگی نجات می‌دهد مستندات کلام امام علی برای ارجاعات تجربی عقلانیت دینی عبارتند از:

نعمت عقل: مَا قَسَمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ بَيْنَ عِبَادِهِ شَيْئًا أَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ؛ خداوند چیزی برتر از عقل در بین بندگانش تقسیم نکرده است (۱۹). مِنْ كَمَالِ النِّعَمِ وَ قُوَّةِ الْعَقْلِ؛ زیادی عقل از نشانه‌های کامل بودن نعمت است (۱۹). أَفْضَلُ النَّعْمِ الْعَقْلُ؛ برترین نعمت‌ها عقل است (۱۹). خَيْرُ الْمَوَاهِبِ الْعَقْلُ؛ بهترین موهبت‌ها عقل است (۱۹). الْعَقْلُ أَقْوَى آسای؛ خرد محکم‌ترین زیربناست (۱۹). الْإِنْسَانُ بِعَقْلِهِ؛ ارزش و منزلت انسان در گرو عقلاوست (۱۹). لَا غِنَى كَالْعَقْلِ؛ هیچ توانگری چون عقل نیست (۱۴). إِنْ أَغْنَى الْغِنَى الْعَقْلُ، وَ أَكْبَرُ الْفَقْرِ الْحَقُّ؛ سرشارترین توانگری، خردمندی است و بزرگ‌ترین تهی‌دستی نابخردی است (۱۴).

لا مَالٌ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ؛ هیچ دارایی سودمندتر از خرد نیست (۱۴). برخوردار از سلامت عقل: الْعَقْلُ يَهْدِي وَ يُنْجِي؛ خرد هدایت می‌کند و نجات می‌دهد (۱۹). الْعَقْلُ يُوجِبُ الْحَذَرَ؛ خرد موجب دوری از گناهان می‌شود (۱۹). أَصْلُ الْعَقْلِ الْفَكْرُ وَ ثَمَرَتُهُ السَّلَامَةُ؛ ریشه عقل اندیشه و ثمره آن ایمنی است (۱۹). إِذَا تَمَّ الْعَقْلُ نَقَصَ الْكَلَامُ؛ هرگاه خرد کامل شود، سخن کم می‌شود (۱۴). ثَمَرَةُ الْعَقْلِ الْعَمَلُ لِلنَّجَاةِ؛ کوشش برای رستگاری ثمره عقل است (۱۷). ثَمَرَةُ الْعَقْلِ مَقْتُ الدُّنْيَا وَ قَمْعُ الْهَوَى؛ ثمره عقل مخالفت با دنیا و ریشه کن کردن هوا و هوس است (۱۷). مَنْ قَدَّمَ عَقْلَهُ عَلَى هَوَاهُ حَسَنَتْ مَسَاعِيهِ؛ کسی که عقلش را بر خواهش نفسش مقدم دارد کارهایش نیکو می‌شود (۱۷). کفاک من عقلک ما أَوْضَحَ لَكَ سَبِيلَ غَيْبِكَ مِنْ رُشْدِكَ. از فایده خردت تو را همین

مادی و معنوی انسان ضروری است، اما باید تلاش کرد که به سوی افراط و تفریط کشیده نشود.

تسلیم بودن جهت حفظ سلامت روان: امیر المؤمنین (ع) می‌فرماید: «وَحَى اللَّهِ تَعَالَى إِلَى دَاوُدَ يَا دَاوُدُ تُرِيدُ وَارِيدُوكَا يَكُونُ أَلَا مَا أُرِيدُ فَإِنْ أَسْلَمْتَ لِمَا أُرِيدُ أُعْطَيْتَكَ مَا تُرِيدُ وَ إِنْ لَمْ تُسَلِّمْ لِمَا أُرِيدُ أُتْعَبْتُكَ فِيمَا تُرِيدُ ثُمَّ لَا يَكُونُ أَلَا مَا أُرِيدُ؛ خداوند متعال به داوود (ع) وحی فرمود: ای داوود! تو می‌خواهی و من می‌خواهم؛ ولی فقط آن چیزی واقع می‌شود که من می‌خواهم. پس! اگر تسلیم خواست من شوی، خواست تو را هم تأمین می‌کنم؛ اما اگر تسلیم خواست من نشوی، تو در راه خواسته‌ها به رنج و زحمت می‌افکنم و آنگاه همان می‌شود که من می‌خواهم (۱۹). امام علی (ع) علیه السلام در تعریف مسلم فرمود: «فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ؛ مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او سالم بمانند (۱۴). امام علی علیه السلام در تفسیر قلب سلیم فرمود: لَا يَصْدُرُ عَنِ الْقَلْبِ السَّلِيمِ إِلَّا الْمَعْنَى الْمُسْتَقِيمُ؛ صادر نمی‌شود از دل سلیم مگر معنی مستقیم (۱۹). دلی که سالم باشد از رشک و کینه و سایر اخلاق نکوهیده، صادر نمی‌شود از او مگر کار درست. در واقع حضرت در این حدیث ملاکی را برای سلیم بودن قلب ارائه کرد که برای همه قابل فهم باشد. قلب سلیم چشمه جوشانی است که هر چه در بعد اندیشه، عمل و گفتار صادر شود، همانند آب زلال مایه‌ی حیات است. آلوده، گندیده و مسموم نیست. در حدیث دیگر معیار سلامت روان را این‌گونه بیان فرموده است: لَا يَسْلِمُ لَكَ قَلْبُكَ حَتَّى تُحِبَّ لِلْمُؤْمِنِينَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ؛ روان تو سالم نمی‌ماند مگر این که برای مؤمنین بخواهی آن چه را که برای خود می‌خواهی (۱۶).

صبر بر مشکلات دنیوی: امام علی (ع) دنیا را به زیبایی تمام توصیف نموده و در پایان یاد آور می‌شوند که برگ برنده‌ی افراد در این دنیای این چنینی فقط تقواست: غَرَارَةُ ضَرَارَةٌ حَائِلَةٌ زَائِلَةٌ نَافِدَةٌ بَائِدَةٌ أَكَاثِلَةٌ غَوَالَةٌ لَا تَعْدُو إِذَا تَنَاهَتْ إِلَى أُمَّنِيَةِ أَهْلِ الرَّغْبَةِ فِيهَا وَ الرِّضَاءِ بِهَا أَنْ تَكُونَ كَمَا قَالَ اللَّهُ تَعَالَى سُبْحَانَهُ كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ وَ كَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُقْتَدِرًا لَمْ يَكُنْ أَمْرٌ مِنْهَا فِي حَبْرَةٍ إِلَّا أَعْقَبْتَهُ بَعْدَهَا عَبْرَةً وَ لَمْ يَلْقَ فِي سَرَائِهَا بَطْنًا إِلَّا مَنَحْتَهُ مِنْ ضَرَائِهَا ظَهْرًا وَ لَمْ تَطْلُقْ فِيهَا دِيمَةٌ رَحَاءً إِلَّا هَتَنْتَ عَلَيْهِ مِرْنَةً بَلَاءً وَ حَرِيًّا إِذَا أَصْبَحَتْ لَهُ مُنْتَصِرَةً أَنْ تَمْسِيَ لَهُ مُتَنَكَّرَةً وَ إِنْ جَانِبَ مِنْهَا أَعْدُوذَبَ وَ أَحْلَوْلَى أَمْرٌ مِنْهَا جَانِبَ قَاوِي لَمْ يَبَالْ أَمْرٌ مِنْ غَضَارَتِهَا رَغْبًا إِلَّا أَرْهَقْتَهُ مِنْ نَوَائِبِهَا تَعَبًا وَ لَا يَمْسِي مِنْهَا فِي جَنَاحِ أَمْنٍ إِلَّا أَصْبَحَ عَلَى قَوَادِمِ خَوْفِ غَرَارَةٍ غُرُورٌ مَا فِيهَا فَائِبَةٌ فَإِنْ مِنْ عَلَيْهَا لَا خَيْرَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَرْوَادِهَا إِلَّا التَّقْوَى...؛ دنیای حرام بسیار فریبنده و بسیار زیان رساننده است، دگرگون شونده و ناپایدار، فنا پذیر و مرگ‌بار، و کشنده‌ی تبهکار است. و آنگاه که به دست آرزومندان افتاد و با خواهش‌های آنان دم‌ساز شد، می‌نگرند که جز سرابی بیش نیست که خدای سبحان فرمود: «زندگی چون آبی ماند که از آسمان فرو فرستادیم و به وسیله آن گیاهان فراوان روید سپس خشک شده، باد آن‌ها را پراکنده کرد و خدا بر همه چیز قادر و تواناست. کسی از دنیا شادمانی ندید جز آن که پس از آن با اشک و آه روبرو شد، هنوز با خوشی‌های دنیا روبرو نشده است که با ناراحتی‌ها و پشت کردن آن مبتلا می‌گردد، شبنمی از رفاه و خوشی دنیا بر کسی فرود نیامده جز آن که سیل بلاها همه چیز را از بیخ و بن می‌کنند. هر گاه صبح‌گاهان به باری کسی برخیزد، شام‌گاهان خود را به ناشناسی می‌زند، اگر از یک طرف شیرین و گوارا باشد از

مهمانان را طعام دهی و خویشاوندان را بنوازی و حقوقی را که به گردن توست ادا کنی، بدینسان، به خانه آخرت هم پرداخته‌ای. علاء گفت: یا امیر المؤمنین از برادر، عاصم بن زیاد به تو شکایت می‌کنم. علی (ع) پرسید: او را چه می‌شود؟ علاء گفت: جامه پشمین پوشیده و از دنیا بریده است. علی (ع) گفت: او را نزد من بیاورید. چون آوردند، حضرت به او فرمود: ای دشمن حقیر خویش، شیطان ناپاک خواهد که تو را همراه کند. آیا به زن و فرزندت ترحم نمی‌کنی پنداری که خدا چیزهای نیکو و پاکیزه را بر تو حلال کرده ولی نمی‌خواهد که از آن‌ها بهره‌مند گردی تو در نزد خدا از آنچه پنداری پست‌تر هستی. عاصم گفت: یا امیر المؤمنین تو خود نیز جامه خشن می‌پوشی و غذای ناگوار می‌خوری علی (ع) در پاسخ او فرمود: وای بر تو. مرا با تو چه نسبت! خداوند بر پیشوایان دادگر مقرر فرموده که خود را در معیشت با مردم تنگدست برابر دارند تا بینوایی را رنج بینوایی به هیجان نیارود و موجب هلاکتش گردد (۱۴).

محور ۳: تعادل روانی

زندگی بشر، هم دارای خوشی‌ها، شیرینی‌ها، به دست آوردن‌ها و کامیابی‌هاست و هم دارای رنج‌ها، مصیبت‌ها، شکست‌ها، از دست دادن‌ها، تلخی‌ها و ناکامی‌ها، بدیهی است که بشر موظف است با طبیعت دست و پنجه نرم کند، تلخی‌ها را به شیرینی تبدیل نماید. یکی از صفات مهم انسان مؤمن چنین است. کلام امام علی (ع) برای ارجاع تجربی تعادل روانی عبارتند از:

آرامش داشتن: امام علی (ع) آرامش را در پیدا کردن روش درست زندگی و رعایت عدل، تعادل و کبان فردی می‌بیند آن‌جا که می‌فرماید: لَقَدْ عَلِقَ بِنَبِاطِ هَذَا الْإِنْسَانِ بَضْعَةٌ هِيَ أَعْجَبُ مَا فِيهِ وَ [هُوَ] ذَلِكَ الْقَلْبُ، وَ ذَلِكَ أَنْ لَهُ مَوَادٌّ مِنَ الْحِكْمَةِ وَ أَسْدَادًا مِنْ خِلَافِهَا؛ فَإِنْ سَخَّ لَهُ الرَّجَاءُ أَذَلَّهُ الطَّمَعُ، وَ إِنْ هَاجَ بِهِ الطَّمَعُ أَهْلَكَهُ الْحِرْصُ، وَ إِنْ مَلَكَهُ الْيَأْسُ قَتَلَهُ الْأَسْفُ، وَ إِنْ عَرَّضَ لَهُ الْغَضَبُ اشْتَدَّ بِهِ الْغَيْطُ، وَ إِنْ أَسْعَدَهُ الرِّضَا الرِّضَى نَسِيَ التَّحَقُّقَ، وَ إِنْ غَالَهُ الْخَوْفُ شَغَلَهُ الْحَذَرُ، وَ إِنْ اتَّسَعَ لَهُ الْأَمْرُ اسْتَلْبَنَتْهُ الْغُرَّةُ، وَ إِنْ أَفَادَ مَالًا أَطْعَمَهُ الْغِنَى، وَ إِنْ أَصَابَتْهُ مُصِيبَةٌ فَضَحَّهَ الْجَزَعُ، وَ إِنْ عَضَّتْهُ الْفَاقَةُ شَغَلَهُ الْبَلَاءُ، وَ إِنْ جَهَدَهُ الْجُوعُ أَقْعَدَتْ بِهِ الضَّعْفُ قَعْدَ بِهِ الضَّعْفُ، وَ إِنْ أَفْرَطَ بِهِ الشَّحُّ كَطَنَتْهُ الْبِطْنَةُ؛ فَكُلُّ تَقْصِيرٍ بِهِ مُضِرٌّ وَ كُلُّ إِفْرَاطٍ لَهُ مُفْسِدٌ؛ به رگ دل انسان، پاره گوستی آویخته است که از شگفت‌ترین چیزهاست و آن قلب اوست که در آن مایه‌هایی از حکمت است و مایه‌هایی ضد آن و خلاف آن. هرگاه امیدواری به او روی آورد، آزمندی خوارش می‌سازد و اگر آزمندی به او روی نهد حرص تباهاش کند و اگر نومی‌دی بر آن دست یابد، تأسف او را بکشد و اگر خشم بر او مسلط شود، کینه توزیش شدت گیرد و اگر خشنودی و رضا سبب سعادتش شود، خویشتن‌داریش را از دست بدهد و اگر وحشت گریبان‌اش را بگیرد، حذر از کار به خود مشغولش دارد و اگر امن و آسایش نصیبش شود، غرور و غفلتش برپاید. اگر مالی به دستش افتد، بی‌نیازی به سرکشی‌اش وادارد. اگر مصیبتی به او رسد، بی‌تابی رسوایش گرداند و اگر به فقر دچار آید، به بلا افتد، اگر گرسنگی او را بیازارد، ناتوانی از پایش در اندازد. اگر در سیری افراط کند، پری شکم آزارش دهد. اگر در کاری کوتاه آید، زیان اوست و اگر از حد گذراند، مایه فسادش باشد (۱۴). غرائزی که خداوند در انسان آفریده برای حیات

يَدْ فَكَافِيهَا بِمَا يُرْبِي عَلَيْهَا؛ هر گاه دست احسانی به سوی تو دراز شد آن را با احسانی افزون تر، پاداش ده (۱۴).

بدی را با خوبی پاسخ دادن: عَاتِبُ أَحَاكُ بِالْأَحْسَانِ إِلَيْهِ، وَأَرْدُدُ شَرَّهُ بِالْإِنْعَامِ عَلَيْهِ؛ برادرت را با نیکی کردن به او، سرزنش کن، و آزارش را با انعام پاسخ بده (۱۴).

کوچک شماری، راز داری و سرعت در برطرف کردن نیازهای مردم: لَا يَسْتَقِيمُ قَضَاءُ الْحَوَائِجِ إِلَّا بِثَلَاثٍ: بِاسْتِصْغَارِهَا لِتَعْظُمَ، وَ بِاسْتِكْتَامِهَا لِتُظْهَرَ، وَ بِتَعْجِيلِهَا لِتُهْنَأَ؛ برطرف کردن نیازهای مردم پایدار نیست مگر به سه چیز: کوچک شمردن خدمت تا خدا آنرا بزرگ نماید؛ و پنهان داشتن آن تا خدا آن را آشکار کند؛ و شتاب در برآوردن نیاز حاجت‌مند تا مسرت‌بخش باشد (۱۴).

شکر نعمت در خدمت رسانی به نیازمندان: يَا جَابِرُ! مَنْ كَثُرَتْ نِعْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ فَمَنْ قَامَ لِلَّهِ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرَضَهَا لِلدَّوَامِ وَ الْبِقَاءِ وَ مَنْ لَمْ يَقُمْ فِيهَا بِمَا يَجِبُ عَرَضَهَا لِلزَّوَالِ وَ الْفَنَاءِ؛ امام علی - علیه‌السلام - (به جابر بن عبدالله انصاری) فرمود: ای جابر! هر که از نعمت‌های خداوند بیبیشتر بهره یابد، مردم نیازمند هم بیشتر به او رجوع می‌کنند. در پاسخ به نیازهای مردم هر که برای خدا برخیزد و بنابر توانایی‌هایی که دارد انجام وظیفه کند، تداوم نعمت‌های خداوندی را فراهم ساخته است و اگر انجام وظیفه نکند، نعمت‌ها را به زوال و نیستی می‌سپرد (۱۴).

اخلاص در خدمت: لَا يَزِدُّكَ فِي الْمَعْرُوفِ مَنْ لَا يَشْكُرُ لَكَ، فَقَدْ يَشْكُرُكَ عَلَيْهِ مَنْ لَا يَسْتَمْتِعُ بِشَيْءٍ مِنْهُ، وَقَدْ تُدْرِكُ مِنْ شُكْرِ الشَّاكِرِ أَكْثَرَ مِمَّا أَضَاعَ الْكَافِرُ، وَاللَّهُ يَجِبُ الْمُحْسِنِينَ؛ تشکر نکردن دیگران از تو نباید تو را به خوبی کردن بی‌ربط سازد، زیرا کسی که از آن نیکی کم‌ترین بهره‌ای نمی‌برد (یعنی خداوند) از تو قدردانی می‌کند و از سپاس‌گزاری این سپاس‌گزار به بیش از آن چیزی می‌رسی که فرد ناسپاس فرو گذاشته است و خداوند نیکوکاران را دوست دارد (۱۴).

محور ۵: آخرت‌نگری

عقیده به معاد باعث می‌شود انسان احساس کند برای همیشه وجود دارد. معاد مقتضای عدل الهی و جایگاه تحقق وعده و وعید الهی است. معاد ابتدا با مرگ و قبر همراه بوده و سپس برزخ را در بر می‌گیرد و بعد به قیامت کبری می‌رسد که انتهای آن بهشت و جهنم است. توصیه به یاد مرگ و توجه به پایداری زندگی پس از مرگ، پرهیز از گناهان و محرمات و اولویت دادن آخرت بر دنیا از دستورات مهم تربیتی و اخلاقی دین اسلام در جهت تقویت و اعتلای تقوای الهی در دل‌های مومنان است. مستندات کلام امام علی (ع) برای ارجاعات تجربی آخرت‌نگری عبارتند از:

پایداری زندگی پس از مرگ: فَإِنَّكُمْ لَوْ قَدْ عَايَنْتُمْ مَا قَدْ عَايَنَ مَنْ مَاتَ مِنْكُمْ - لَجَزَعْتُمْ وَ وَهَلْتُمْ وَ سَمِعْتُمْ وَ أَطَعْتُمْ - وَ لَكِنْ مَحْجُوبٌ عَنْكُمْ مَا قَدْ عَايَنُوا - وَ قَرِيبٌ مَا يَطْرَحُ الْحِجَابَ - وَ لَقَدْ بَصُرْتُمْ إِنْ أَبْصَرْتُمْ وَ أَسْمِعْتُمْ إِنْ سَمِعْتُمْ - وَ هَدَيْتُمْ إِنْ اهْتَدَيْتُمْ - وَ بِحَقِّ أَقُولُ لَكُمْ لَقَدْ جَاهَرْتُمْ الْعَبْرَ - وَ زَجَرْتُمْ بِمَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ - وَ مَا يَبْلُغُ عَنِ اللَّهِ بَعْدَ رُسُلِ السَّمَاءِ إِلَّا الْبَشَرُ؛

اگر شما آن‌چه را که مردگان دیده‌اند ببینید به یقین بی‌تابی و زاری خواهید کرد و سخنان خدا را شنیده و آن‌ها را اطاعت می‌کنید. ولی آن‌چه گذشتگان دیده‌اند بر شما پوشیده است، نزدیک است که حجاب برطرف شود و چنان‌چه اهل بصیرت باشید، بینای‌تان کرده‌اند و اگر اهل

طرف دیگر تلخ و ناگوار است. کسی از فراوانی نعمت‌های دنیا کام نگرفت جز آن که مشکلات و سختی‌ها دامن‌گیر او شد، شبی را در آغوش امن دنیا به سر نبرده جز آن که صبح‌گاهان بال‌های ترس و وحشت بر سر او کوبید. بسیار فریبنده است و آن‌چه در دنیا است نیز فریبندگی دارد، فانی و زودگذر است، و هر کس در آن زندگی می‌کند فنا می‌پذیرد. خیر و نیکویی در هیچ یک از توشه‌های آن نیست مگر تقوی و پرهیزکاری (۱۴).

محور ۴: وظیفه‌گرایی

انسان دارای سلامت معنوی و وظایف خود را در قبال خداوند متعال انجام می‌دهد. نسبت به خود و دیگران، احساس مسئولیت می‌کند و در قبال خانواده و فرزندان خود و دیگران وظایفی را که تقبل کرده در پیشگاه نظارت الهی انجام می‌دهد. همچنین سعی می‌کند تا با رعایت حلال و حرام الهی و قوانین جامعه، عملکرد خوبی داشته باشد و علی‌رغم بیماری در انجام وظایف محوله‌اش می‌کوشد مستندات کلام امام علی (ع) برای ارجاعات تجربی وظیفه‌گرایی عبارتند از:

انجام وظایف در قبال خداوند: امام علی (ع) در نامه خود به امام حسن مجتبی (ع) در رابطه با وظیفه انسان در برابر خدا فرموده است: فَأَعْتَصِمُ بِالَّذِي خَلَقَكَ وَ رَزَقَكَ وَ سَوَّأَكَ، وَ لِيَكُنْ لَكَ تَعَبُّدُكَ، وَ إِلَيْهِ رَغَبَتُكَ، وَ مِنْهُ شَفَقَتُكَ... فَاذَا عَرَفْتَ ذَلِكَ فَأَفْعَلْ كَمَا يَنْبَغِي لِمِثْلِكَ أَنْ يَفْعَلَهُ فِي صَعْرِ خَطَرِهِ، وَ قَلْبَهُ مَقْدَرَتِهِ، وَ كَثْرَةَ عَجْزِهِ، وَ عَظِيمَ حَاجَتِهِ إِلَى رَبِّهِ، فِي طَلَبِ طَاعَتِهِ، وَ الْخَشْيَةِ مِنْ عُقُوبَتِهِ، وَ الشَّقَقَةِ مِنْ سُخْطِهِ، فَإِنَّهُمْ يَا مُرَكَّ الْأَ يَحْسَنُ، وَ لَمْ يَنْهَكَ إِلَّا عَنِ سَيِّئِهِ. پس به خداوندی که تو را آفریده، و روزیت را عنایت کرده و اندامت را تعدیل نموده پناه ببر، و باید بندگی برای او باشد، و رغبتت متوجه او گردد، و از او بیم داشته باشی. ... چون به این حقیقت آگاه شدی در بندگی بکوش چنان‌که شایسته مانند توست که کوچک منزلت و فقیر و کم قدرت و بسیار ضعیف است، و در طلب طاعتی در ترس از عقوبت، و بیمناکی از خشم شدید به پروردگار خود نیازمند است، زیرا چنین پروردگاری جز به خوبی تو را فرمان نداده، و جز از زشتی باز نداشته است (۱۴).

انجام وظایف در قبال خانواده و ارحام: در خصوص وظایف اعضای خانواده نسبت به یکدیگر مباحث فراوانی وجود دارد که ما فقط به ذکر یک جمله از امام علی (ع) اکتفا می‌کنیم: إِنْ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا وَ إِنْ لِلْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ حَقًّا. فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يَحْسَنَ اسْمَهُ وَ يَحْسَنَ أَدَبَهُ وَ يَعْلَمَهُ الْقُرْآنَ؛ همانا فرزند را بر پدر و پدر را بر فرزند حقی است؛ پس حق پدر بر فرزند آن است که او را در هر کاری جز معصیت خدا اطاعت کند و اما حق فرزند بر پدر سه چیز است: ۱- برای او نام نیک انتخاب کند. ۲- خوب تربیتش کند. ۳- و قرآن را به او تعلیم دهد (۱۴).

انجام وظایف در قبال جامعه: امام علی (ع) سخنان فراوانی در ارتباط با وظایف افراد جامعه در برابر یکدیگر، وظایف حاکم و مردم و... دارند که در این مستند سازی فقط به چند اصل کلی که از سخنان ایشان قابل استخراج است، اکتفا می‌کنیم:

اصل اولیه در جامعه اسلامی احسان و نیکوکاری است: أَحْسِنْ كَمَا تَجِبُ أَنْ يَحْسَنَ إِلَيْكَ. (به دیگران) نیکی کن، چنان که دوست می‌داری به تو نیکی شود (۱۴). پاسخ نیکی به احسانی افزون‌تر: إِذَا أُسْدِيَتْ إِلَيْكَ

و آخرت خانه جاویدان است، پس از گذرگاه خویش برای سرمنزل جاودانه توشه بگیرید (۱۴). همچنين فَاِنَّ الدُّنْيَا لَمِ تَخْلُقُ لَكُمْ دَارَ مَقَامٍ، بَلْ خُلِقَتْ لَكُمْ مَجَارًا، لِتَزُوْدُوا مِنْهَا الْاَعْمَالَ اِلَى دَارِ الْقَرَارِ؛ دنیا برای شما به عنوان سرای ثبات و قرار آفریده نشده، بلکه آفریده شد تا عبورگاه باشد و از آن زاد و توشه و کردار صالح جهت سرای قرار و ثبات (آخرت) فراهم کنید (۱۴). امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید: فَاِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ و لا حساب و اِنْ غَدَا حِسَابٌ و لا عَمَلٌ؛ امروز روز کار است و روز حساب نیست و فردا روز حساب است و روز کار نیست (۱۴). فَاَجْعَلُوا اجْتِهَادَكُمْ فِيهَا التَّزُوْدَ مِنْ يَوْمِهَا الْقَصِيْرَ لِيَوْمِ الْاٰخِرَةِ الطَّوِيْلِ؛ کوشش شما در دنیا این باشد که از این چند روزه کوتاه برای روزهای بلند آخرت توشه بگیرید (۲۲). فَتَزُوْدُوا فِي اَيَّامِ الْفَنَاءِ لِايَّامِ الْبَقَاءِ؛ مردم! در روزهای فناپذیر، برای روزگار جاودان، توشه بگیرید (۱۴). اجْعَلْ جِدَكَ لِاَعْدَادِ الْجَوَابِ لِيَوْمِ الْمَسْئَلَةِ وَالْحِسَابِ؛ بکوش تا برای پاسخ‌گویی در روز پرسش و حسابرسی آماده باشی (۱۹). طُوْبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ وَ عَمِلَ لِلْحِسَابِ وَ قَبِعَ بِالْكَفَافِ وَ رَضِيَ عَنِ اللّٰهِ؛ خوشا به حال کسی که به یاد معاد باشد و برای روز حساب، کار کند و به اندازه روزی خود قناعت نماید و از خدا خشنود باشد (۱۴).

بحث

این مطالعه تحلیل محتوای کیفی جهت دار که با هدف ارزیابی و نقد شاخص‌های سلامت معنوی براساس آموزه‌های اسلامی از منظر امام علی (علیه السلام) به انجام رسید، نشان داد که ارجاعات سلامت معنوی در پنج محور خالق‌گرایی عاشقانه، عقلانیت دینی، تعادل روانی، وظیفه‌گرایی و آخرت‌نگری در کلام ایشان فراوان یافت می‌شود. لذا تحلیل مفهوم سلامت معنوی خراسادی زاده و همکاران (۱۳۹۴) مورد تأیید قرار می‌گیرد.

اولین بعد تأیید شده سلامت معنوی در کلام امام علی ع محور خالق‌گرایی عاشقانه و عقلانیت دینی است. سلامت معنوی دربردارنده مؤلفه‌های شناختی، احساسی، رفتاری و پیامدی است. انسان معنوی از اندیشه یا تعقل ویژه نسبت به خدا، انسان، خلقت و رابطه متقابل آنها برخوردار است؛ تعقلی که پرده ظواهر را دریده و به حقیقت باطنی دست یافته است. همه زندگی چنین فردی جهت‌گیری الهی می‌یابد، از حالات معنوی ویژه‌ای چون حب به خداوند، دگردوستی، توکل و شرح صدر برخوردار می‌شود (۲۳).

حضرت علی (ع) سلامتی را ثمره عقل، خواننده است. لذا جایگاه سلامت معنوی در اسلام و تبیین نقش عقل و قلب در سلامت معنوی مطرح می‌شود. از آنجایی که ادراک سالم عقلی زمینه ساز ادراک سالم قلبی است، می‌توان گفت سلامت مرتبه عقلی یکی از لوازم سالم بودن مرتبه قلبی (سلامت معنوی) می‌باشد. مؤمنی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه خود بیان کرده‌اند؛ آثار خدادوستی که با ذکر زبانی، قلبی سبب آسایش و مایه آرامش، بهره‌مندی از زندگی سالم و به دور از ترس و اضطراب، سلامت روح و روان احساس رضایت‌مندی و توانایی سازگاری با مشکلات و سختی‌های روزگار و الگوگیری صحیح از افراد شایسته، تحول در افکار و اندیشه‌ها می‌شود (۲۴).

داشتن تعادل روانی یکی دیگر از محورهای سلامت معنوی است. در همین راستا عیسی مراد و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه فراترکیب مؤلفه‌های سلامت معنوی در ایران این‌گونه بیان داشتند که براساس

شنیدن باشید شنوای‌تان کرده‌اند و اگر اهل هدایت باشید، راه را به شما نشان داده‌اند. از روی حقیقت به شما می‌گویم که عبرت‌ها بر شما آشکار و روشن شد و به آن چه که باید نهی می‌شدید از آن منع شدید. پس از این که انبیا آمدند و پیام حق را رساندند منتظرید که بعد از آن‌ها فرشتگان آسمان شما را هدایت کنند (۱۴). حضرت در فرازی از نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندش چنین می‌نگارد: وَ اعْلَمْ اَنْ اَمَامَكَ عَقِبُهُ كَثُوْدًا الْمُخَفُّ فِيهَا اَحْسَنُ حَالًا مِنَ الْمُثْقَلِ وَ الْمُبْطِيُّ عَلَيْهَا اَفْبَحُ اَمْرًا ا حَالًا مِنَ الْمُسْرِعِ وَ اَنْ اَمَهِيْطَهَا بِكَ ا مَهِيْطَكَ بِهَا لَا مَحَالَةَ اِمَّا عَلٰى جَنَّةٍ اَوْ عَلٰى نَارٍ فَارْتَدُّ لِنَفْسِكَ قَبْلَ نَزْوِلِكَ وَ وَطِئِ الْمَنْزِلَ قَبْلَ حُلُوْلِكَ فَلَيْسَ بَعْدَ الْمَوْتِ مُسْتَعْتَبٌ وَ لَا اِلٰى الدُّنْيَا مُنْصَرَفٌ؛ آگاه باش که در پیش رویت گذرگاه سختی است، آن که سبک‌بار است در آن گذرگاه حالی بهتر از سنگین باردارد، و آنکه دچار کندی است بدحال‌تر از شتابنده در آن است. در آن‌جا محل فرود آمدنت به ناچار یا در بهشت است یا در جهنم، پس پیش از درآمدنت به آن جهان توشه آماده کن، و قبل از ورودت منزلی فراهم ساز، که بعد از مرگ تدارک کردن از دست رفته ممکن نیست، و راه بازگشت به دنیا برای همیشه بسته است (۱۴).

پرهیز از لذت‌های حرام؛ در رابطه با دوری از لذت‌های حرام و گناهان، در سخنان بسیاری از پیامبر (ص) و امامان (ع) تعبیر به هجرت و «آیاک و آیاکم» که بیانگر شدت پرهیز و دوری از گناه است. و نیز تعبیر به «احذر و احذروا» شده که به معنی هشدار و هراس شدید از گناه است، تا مبدا انسان با نزدیک شدن به آن مبتلا گردد. این تعابیر به طور مکرر خصوصاً در ارتباط با خود گناهان به صورت موردی و نه به صورت کلی مشاهده می‌شود و ما به ذکر یک یا دو نمونه اکتفا می‌کنیم: اِيَّاكَ وَ النَّمِيْمَةَ فَانْهَآ تَرْزَعُ الضَّغِيْنَةَ وَ تَبْعُدُ عَنِ اللّٰهِ وَ النَّاسِ؛ از سخن چینی، به شدت دوری کن، چرا که باعث کینه‌توزی و دوری از خدا و خلق می‌شود (۱۷). یا می‌فرماید: احْذَرْ فَحْشَ وَ بِالْقَوْلِ وَ بِالْعَاقِلِ فَانْهَمَا يَزِيْرَانِ بِالْقَائِلِ؛ از زشت‌گویی و دروغ‌بترس و برحذر باش، چرا که این دو، گوینده‌اش را معیوب می‌سازد (۱۹). مَا الْمَجَاهِدُ الشَّهِيدُ فِي سَبِيْلِ اللّٰهِ بِاعْظَمِ اجْرًا مِمَّنْ قَدَرَ قَعْفًا، لَكَادَ الْعَفِيْفُ اَنْ يَكُوْنَ مَلَكًا مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ؛ مزد جهادگر کشته در راه خدا بیشتر نیست از مرد پارسا که - معصیت کردن - تواند - لیکن - پارسا ماند و چنان است که گویی پارسا فرشته‌ای است از فرشته‌ها (۱۴). اذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللذَاتِ وَ بَقَاءَ التَّيْبَعَاتِ؛ به یاد آرید که لذت‌ها تمام شدنی است و پایان ناگوار آن بر جای ماندنی (۱۴). اَلصَّبْرُ صَبْرَانٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيْبَةِ حَسَنٌ جَمِيْلٌ، وَ اَحْسَنُ مِنْ ذٰلِكَ الصَّبْرُ عِنْدَ مَا حَرَّمَ اللّٰهُ عَلَيْكَ؛ صبر بر دو قسم است: صبر بر مصیبت که نیکو و زیباست، و بهتر از آن صبر بر چیزی است که خداوند آن را حرام گردانیده است (۱۵). امیرمؤمنان علی (ع) در فرمایش دیگری از قرار گرفتن در موقعیتی که موجب شک و تهمت می‌شود، نهی فرموده‌اند: «من کان يؤمن بالله و اليوم الآخر فلا يقوم مكان ريبه؛ کسی که ایمان به خدا و روز قیامت دارد، در مکانی که موجب تهمت و شک او می‌شود نمی‌ایستد (۱۵).

اولویت دادن به امور اخروی؛ در خصوص این محور احادیث و سخنان زیادی از امام علی علیه السلام نقل گردیده است که در ادامه به ذکر برخی از آن‌ها می‌پردازیم: مَرَارَةُ الدُّنْيَا حَلَاوَةُ الْاٰخِرَةِ، وَ حَلَاوَةُ الدُّنْيَا مَرَارَةُ الْاٰخِرَةِ؛ تلخی دنیا شیرینی آخرت است و شیرینی دنیاتلخی آخرت (۱۴). امیرمؤمنان (ع) می‌فرماید: اِيْهَا النَّاسُ، اِنَّمَا الدُّنْيَا دَارٌ مَّجَارٍ، وَ الْاٰخِرَةُ دَارٌ قَرَارٍ، فَخُذُوا مِنْ مَمْرِكُمْ لِمَقْرَكُمْ؛ ای مردم! دنیا سرای گذر!

آخرت‌نگری از دیگر محورهای تأیید شده سلامت معنوی می‌باشد. همسو با نتایج مطالعه حاضر این محور در مطالعات مختلفی با عنوان معادشناسی، معادباوری و شاخص‌های پادمرگ بیان شده است (۵، ۱۰). یوسفی و همکاران (۱۳۹۸) معادشناسی را یکی از مهم‌ترین مولفه‌های سلامت معنوی از دیدگاه قرآن بیان می‌نماید. از دیدگاه قرآن، عالم ماده دارای تغییر و تحول است و بدن انسان هم از این قاعده مستثنا نیست. با وجودی که انسان میل به جاودانگی دارد اما مرگ و نابودی جسمش حتمی است. از طرفی حقیقت انسان روح و نفس غیرمادی اوست و مرگی برای او نیست. بنابراین در همین آیه می‌فرماید: پس از دست دادن بدن را می‌چشد. پس نفس باقیمانده است که می‌تواند از دست دادن بدن را بچشد. بنابراین نفس مجرد و ماندگار است و صاحب سلامت معنوی که یقین به بهشت و نعمت‌های آن دارد، برای رسیدن به آن‌ها رفتار خود را اصلاح می‌نماید، این باور قلبی تمام زوایای زندگی مؤمن را معنا می‌دهد (۵).

نتیجه‌گیری

سلامت معنوی براساس زمینه‌های فرهنگی و دینی معنای خاصی دارد. در این مطالعه شاخص‌های سلامت معنوی که در مطالعه خراشادی زاده و همکاران به دست آمده بود، براساس سخنان امام علی (ع) مورد تأیید قرار گرفت.

References

- Allahbakhshian MJM, Parvizy S, Haghani H. A Survey on relationship between spiritual wellbeing and quality of life in multiple sclerosis patients. *ZJRMS*. 2010;12(3):29-33.
- Abolghasemi MJ. Semantics of spiritual health and its religious scope. 2012.
- Culliford L. Spiritual care and psychiatric treatment: an introduction. *APT*. 2002;8:249-258. DOI: 10.1192/apt.8.4.249
- Ashmos D, Duchon D. Spirituality at work: A conceptualization and measure. *J Manage Inquir*. 2000;9(2):134-145. DOI: 10.1177/105649260092008
- Yousofi H, Abdolkarimi-Natanzi M, Nesaayi-Barzoki H. The principles of spiritual health in the Quran. *KAUMS J (FEYZ)*. 2020;23(7):810-816.
- Heydari A, Khorashadzadeh F, Heshmati Nabavi F, Mazlom SR, Ebrahimi M. Spiritual Health in Nursing From the Viewpoint of Islam. *Iran Red Crescent Med J*. 2016;18(6):e24288. DOI: 10.5812/ircmj.24288 PMID: 27621915
- Marandi S, Azizi F. Question of position, definition and difficulties of establishing the concept of spiritual health in the Iranian-Islamic society. 2011.
- Gholamnia-Shirvani Z, Ghaemi Amiri M, Khosravi-Larjani AA, Rohollah-Pour E, Hosseini-Motlagh Z. The Study of Spiritual Health from the Islamic Perspective in Medical and Dental Students of Babol University of Medical Sciences. *Med Sci*. 2020;8(1):53-58.
- Khorashadzadeh F, Heydari A, Heshmati Nabavi F, Mazlom S, Ebrahimi M. Concept analysis of spiritual health based on Islamic teachings. *Iran J Nurs*. 2015;28(97):42-55. DOI: 10.29252/ijn.28.97.42
- Masoudi Asl I, Rajabi Vasokolaee G, Goudarzi L, Raadabadi M, Eskandari AH. The evaluation of relationship between mental health and spiritual health of students at Tehran University of Medical Sciences, 2013. *J Med Cultivat*. 2017;23(3):55-66.

یافته‌های به دست آمده، در مجموع ۱۰۴ متغیر ۳۷۴ بار در پژوهش‌ها مورد بررسی قرار گرفته است. از این تعداد، ۳۵ متغیر مربوط به گروه متغیرهای مرتبط با زندگی سالم که در ۱۲۲ حوزه پژوهشی مورد بررسی قرار گرفته‌اند و متغیرهای کیفیت زندگی، شادکامی و سلامت عمومی بیشترین تکرار را دارا بودند. ۲۹ متغیر مربوط به گروه متغیرهای مرتبط با ویژگی‌های فردی کارآمد است که در ۱۱۵ حوزه پژوهشی بررسی شده‌اند و متغیرهای سلامت روان، امیدواری و تاب‌آوری بیشترین فراوانی را داشتند. همچنین، ۱۸ متغیر مربوط به گروه متغیرهای مرتبط با آسیب‌ها و اختلالات روانشناختی و اجتماعی بود که در ۹۹ حوزه پژوهشی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند و متغیرهای اضطراب، افسردگی و استرس (فشار روانی (دارای بیشترین فراوانی بودند. در نهایت، ۲۲ متغیر مربوط به گروه متغیرهای مرتب با بروداده‌های شغلی-تحصیلی بود که در ۴۵ حوزه پژوهشی بررسی شده‌اند و متغیرهای سلامت سازمانی، رضایت‌مندی شغلی و درگیری شغلی بیشترین فراوانی تکرار را در مطالعات پژوهشی داشتند (۲۵). محور مطرح دیگر در تبیین سلامت معنوی و مستندسازی براساس کلام امام علی (علیه السلام) وظیفه‌گرایی می‌باشد. در همین راستا امینی و اصفهانی (۱۳۹۵) این‌گونه بیان می‌کنند که بعد از ایجاد بینش توحید در سلامت معنوی در انسان و ایجاد شادی و نشاط درونی در او، انسان وظیفه‌ای بس سنگین در برابر موهبت‌های الهی درک می‌کند و نهایت تلاش خود در روند پرهیزگاری انجام می‌دهد (۲۶).

- RB. Concept analysis: An Evolutionary View Philadelphia.
- Yang CT, Yen SY, Chen JO. Spiritual well-being: a concept analysis. *Hu li za zhi J Nurs*. 2010;57(3):99-104.
- KhoramiMarekani A, Yaghmaie F, Izadi A. Instruction of spirituality and spiritual care in nursing: a challenge in curriculum development. *Advance Nurs Midwife*. 2010;19(68):41-49.
- Sharif A. Mohammad ebn alhossien, Nahjolbalaghe. qome: Hejrat [Pesian]2014.
- Kalini MEY, Alkafi. Tehran: Darolkotob eslami [Pesian].
- Majlesi MB. Baharalnavar Beyrot: Darahayataras arabi [Pesian].
- lasi vaseti A. Eiyoonalhokm v almavaez. Qome: Darolhadis [Pesian]1999.
- Ghafari AA. Alkhesal Ebn baboyeh Mohamad ebn Ali. Qome: Jame modarsin1984.
- Rejai SM. Ghoralolhekam v doragkam. 2, editor. Qome: Darolketabeslami [Pesian]1983.
- Kermani A, Mohraz Mh. Mohaj aldaavat va monhgo alebadat. Qome: Darolkhazaer1984.
- Fatal neyshabori MEA. Rozatolvaezin v bsiratolmotazin. Qome: Razi [Pesian]1997.
- Varam ebn abi faras MEE. Majmoevaram. Qome: Maktabe faghihe [Pesian]1986.
- Marzband R, Zakavi AA. Indicators of spiritual health based on Quran perspective. 2012.
- Momeni Vanani G, Nasiri E. Loving God and its effect on the Islamic lifestyle: a review article. *J Res Behav Sci*. 2020;18(1):160-168.
- Isamorad A, Hasanvand F, Ghalami Z. Meta-synthesis of Spiritual Health Researchs in Iran. *Iran J Culture Health Promot*. 2021;5(2):195-204.
- A. A AR. Assessing indicator of spiritual health in Quran. *Commentar Stud Quarte Res J*. 2018;19(35).